

سیر تحول باغ ابرار در فخرال

فرهاد جواهریان

Evolution of the Persian Garden in Tehran

Faryar Javaherian



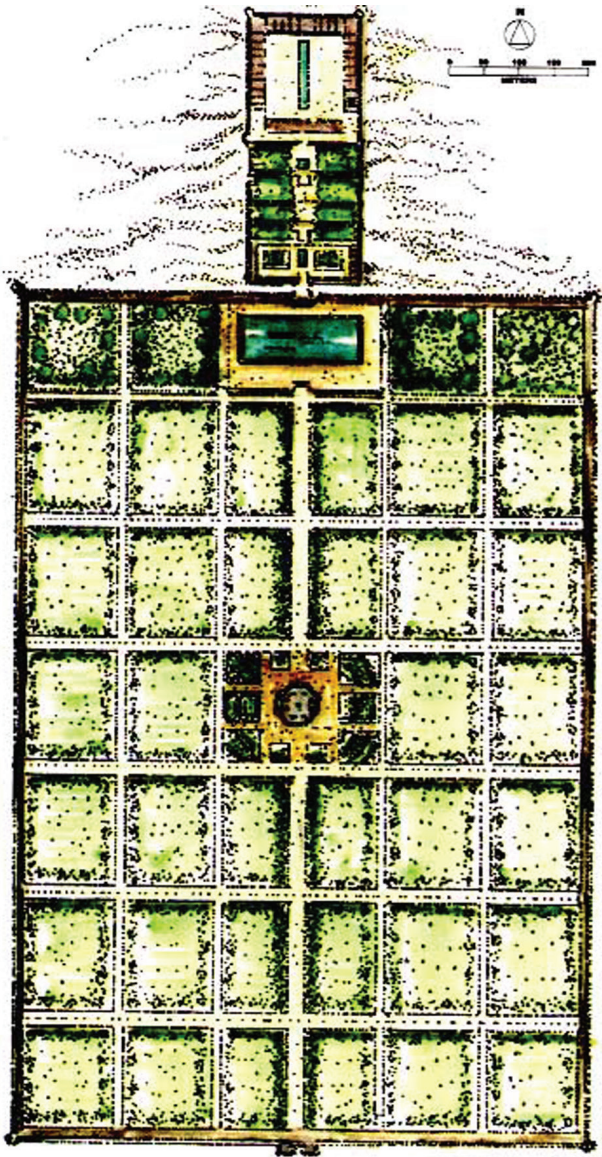
فریار جواهریان متولد خراسان بوده و در فرانسه بزرگ شده است. تحصیلات خود را در آمریکا و در دانشگاه‌هایی نظیر "نگراس" در استین M.I.T و "هاروارد" به پایان رسانده است. مهندس مشاور "گام ما" را همراه با مهندس فریدون بذر

در تهران تأسیس نمودند و تخصصشان در موزه و باغ می‌باشد. آثار و کارهایشان در مجلات مختلف ایرانی و خارجی به چاپ رسیده و سبک کارهایشان ایرانی مدرن شناخته شده است. اخیراً برنده‌ی مسابقه‌ی مدرسه‌ی جدید فرانسیوی‌ها در تهران می‌باشند. دبیر نمایشگاه‌های متعددی از جمله "باغ ایرانی" و "سی سال تنهایی" در کمبریج و لندن بوده‌اند. طراحی صحنه‌ی ده فیلم از کارهای آقای داریوش مهرجویی (از اجارمنشین‌ها تا درخت گلابی) را بر عهده داشته‌اند. مقالات متعددی در نشریات ایرانی و خارجی به چاپ رسانده و سخنرانی‌های متعددی را در دانشگاه‌های آکسفورد و کمبریج ارائه کرده‌اند. دوره‌ی گذشته نیز عضو هیأت داوران جایزه‌ی معماری "آقا خان" بوده‌اند.

Abstract

The article reviews the historical background of the traditional Persian Garden in Tehran and shows how it has undergone changes, especially in the Qajar period, and also how this evolution has affected the general image of the city itself. In short it is a eulogy of our capital city which once was an "inhabited garden," and a quest for preserving Tehran's natural environment, especially its seven garden- valleys.

تصویری از تهران در دوره صفوی (بهرام بیگی)



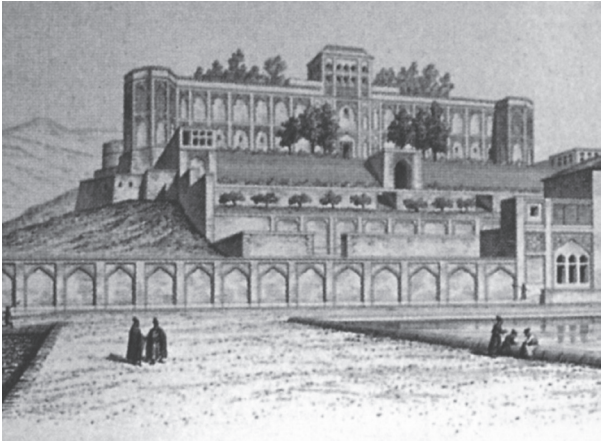
نقشه باغ قصر قاجار، برداشت و ترسیم: مینوش یآوری

قیاس با اصفهان نبوده است - ولی این مجموعه ارزشمند از معماری و شهرسازی دوران حکومت فتحعلی شاه را نمی توان نادیده گرفت. مقتدر می‌نویسد «فتحعلی شاه بدون شک اولین سازنده تهران بوده است». تخت مرمر، مسجد شاه در بازار، مدارس مروی و صدر و دو دروازه بازار و شاه عبدالعظیم از بناهای مهم آن دوره هستند، همچنین قصر قاجار و باغ - تخت آن و کاخ نگارستان و لاله‌زار که خارج از حصار تهران بنا شدند. «هنگامی که بنای قصر قاجار به پایان رسید، از لحاظ بزرگی و شکوه و جلال، سرآمد باغ‌های آن عصر گردید، ولی با این وصف نیم قرن بعد متروک شد.»^۸

یکی از مسافران خارجی، کلاراسرنا درباره قصر قاجار چنین نوشته است: «قصر قاجار همچون آمفی تئاتری مشرف به فضای سبز بیرون شهر بود. باغ این قصر به عرض دو هزار و به طول سیزده هزار فوت بود. گل‌های رز و یاس، این زمین‌ها را پوشانده بود و تاک‌های انگور باغ را احاطه می‌کردند و به صورت راهی تا قصر امتداد می‌یافتند.»^۹

در سفرنامه‌ای دیگر از اورسول آمده است: «از تالارهای بزرگ طبقه بالا، می‌توان ویرانه‌های ری، دوشان تپه و شمیران را مشاهده کرد.»^{۱۰}

منظره ای از قصر قاجار



تیموری بزرگی وجود داشته است». می‌توان تخمین زد که در اوائل دوره صفوی تهران جمعیتی بین ده تا پانزده هزار نفر داشته است و شبیه یک باغ درندشت در کوهپایه البرز بوده است.

اولین باغبان تهرانی که اسم او در تاریخ ثبت شده است مولانای امیدی است و نام باغی را که طرح انداخت «باغ امید» گذاشت. پیتر دلوالاه که در سال ۱۶۱۸ م در تهران سکونت داشت، می‌نویسد: «تمامی کوچه‌های شهر توسط مسیل‌های متعددی آبیاری می‌شوند که به صورت مارپیچ در باغ‌ها در جریانند. همه کوچه‌ها پر از چنارهای فراوان سایه‌دار هستند ... و چنارهای به این عظمت در عمرم ندیده‌ام، به طوری که تهران را «شهر چناران» می‌نامم.»^۵

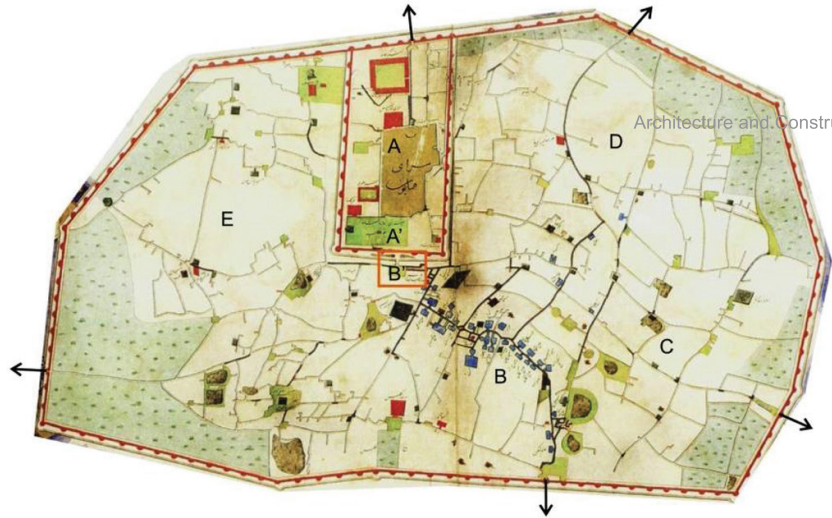
متأسفانه از تهران در دوره صفویه نقشه‌ای موجود نیست، اما تصاویری متعدد از دورنمای کوهپایه و برج و باروی شاه طهماسبی در کتاب‌های جیمز موریه و بهرام بیگی موجود است.

تهران نیز از حمله افغان‌ها در امان نماند و قسمت بزرگی از شهر و برج و باروی صفوی ویران شد. در دوره افشاریه، تهران مورد توجه چندانی قرار نگرفت و در اواخر این دوره زیر سلطه یکی از قبایل قاجار قرار گرفت. کریم‌خان زند شهر را از دست قاجاریه ربود و تصمیم داشت پایتخت خود را آنجا بنا کند و حتی برج و باروی صفوی را که در حمله افغان‌ها بسیار آسیب دیده بود، مرمت نمود و چندین بنا به دستور وی احداث شدند، مثل دیوانخانه و حرمسرا؛ اما هفت سال بعد شیراز را به عنوان پایتخت خود برگزید. در این زمان طبق گفته البویه^۶ شهر ۱۵۰۰۰ نفر جمعیت داشت. در این دوره تاریخ دانان نوشته‌اند که کاخ‌ها و باغ‌های سلطنتی یک چهارم سطح تهران را می‌پوشاند.

آقا محمد خان، مؤسس سلسله قاجار، در سال ۱۲۰۰ ه.ق و دقیقاً در روز ۱۲ مارس ۱۷۸۶ م، با قشون خود وارد تهران شد. پس از اینکه در استرآباد و سپس در ساری مستقر گردیده بود، اکنون تهران را به عنوان پایتخت خود برگزید. در تاریخ اول محرم ۱۲۰۷ ه.ق (۱۷۹۲)، او تصمیم گرفت لوازم ارزشمند خود را از شیراز به تهران منتقل کند و از آن تاریخ به بعد در تهران باقی بماند.

مقتدر، با نظری بسیار رندانه می‌گوید که قبایل قاجار کوچ نشین بودند و بنابراین هیچ تصویری از شهرنشینی نداشتند؛ حتی می‌توان گفت که «حس» درستی از این که پایتخت چه نوع شهری باید باشد را اصلاً نداشتند. در زمانی که آقا محمد خان قاجار به فکر برگزیدن تهران به‌عنوان پایتخت خود بود، شهر ۲۵،۰۰۰ نفر جمعیت داشت.

از اوائل قرن نوزدهم میلادی سفرنامه‌های نویسندگان خارجی (براون، جیمز موریه، کلاراسرنا، البویه، ژول لوران، ...) حاکی از آن است که به جز چند محله سامان یافته، اکثر نقاط تهران در آن زمان کوچه‌های خاکی داشت و بیشتر شبیه یک ده بوده است. اما وقتی فتحعلی شاه در سال ۱۲۱۲ ه.ق به سلطنت رسید و چهل سال حکومت کرد، اوضاع تهران دگرگون گشت. باغ‌ها، میدان‌های عمومی، ساختمان‌های دولتی و خانه‌های شخصی بسیاری ساخته شدند و از آنجا که خانواده گسترده فتحعلی‌شاه جمعا بیش از دو هزار نفر بودند، ساختمان‌های درباری متعددی احداث شدند. هر چند که شهریار عدل در مقدمه کتاب تهران، پایتخت دویست ساله، می‌نویسد: «تصور می‌رفت که توسعه شهری، تا این حد وابسته به حضور حکام، با معماری و شهرسازی متشخص‌تری ساخته شود، از آن دست که در اصفهان نیز اتفاق افتاده بود، اما در مورد تهران چنین نشد و تهران به طور تدریجی پایتخت شد»^۷، اما نمی‌توان کتمان نمود که در دوران فتحعلی شاه، ساختمان‌های مهمی بنا شدند، البته این ساخت و ساز هرگز قابل



نقشه برزین، ترسیم شده در سال ۱۸۴۱.^{۱۱}

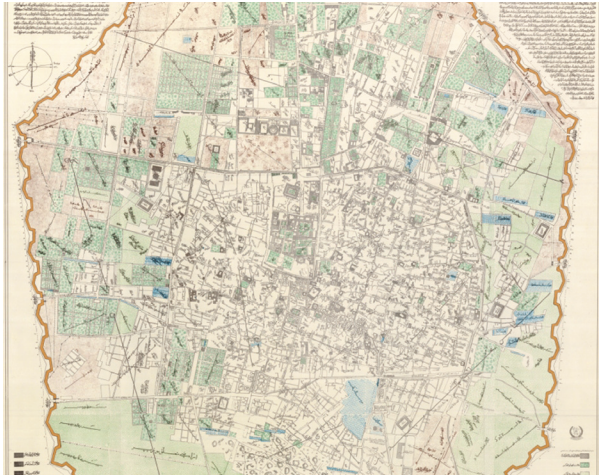
هنگامی که باغ و کاخ نگارستان تکمیل شد، فتحعلی شاه محل سکونت خود را از کاخ گلستان به آنجا منتقل کرد و دو باغ دیگر، سردار ایروانی و باغ نظامیه را خارج از خندق شمالی تهران احداث نمود. در دوران سلطنت محمدشاه تهران کم کم به سوی شمال رشد کرد زیرا اکثر اشراف برای خود خانه‌های ویلاقی و باغ‌های باصفائی در کوهپایه البرز ساختند. جمعیت تهران در این زمان به کمی بیش از ۱۰۰،۰۰۰ نفر رسید و نخست وزیر محمد شاه، حاجی میرزا آغاسی، قنوات جدیدی احداث نمود و مسیلی به طول ۴۲ کیلومتر ساخت که آب رودخانه کرج را به طرف تهران می‌آورد. مسیل کنونی بلوار کشاورز از بقایای همان کانال است. اولین نقشه تهران از این دوران است که توسط نیکولای برزین روس کشیده شد. این نقشه به وضوح نشان می‌دهد که باغ‌های وسیعی داخل و اطراف دیوارهای شهر را گرفته‌اند و به جز دو منطقه ارگ و بازار در جنوب تهران، هیچ گونه کیفیت شهری دیگری وجود ندارد.

در زمان سلطنت محمدشاه، شهر تهران پیشرفتی نکرد، اما در عهد حکومت ناصرالدین شاه، که ۵۱ سال به طول کشید، تهران واقعا آباد شد و تقریباً تا نیمه قرن بیستم میلادی شکل خود را حفظ نمود. متأسفانه خیلی از بناهای با ارزش آن دوره عمداً تخریب شدند. تاریخ‌دانان بسیاری گفتند که تهران، شهری بدون حافظه است (پاکروان، مونتّی، عدل) و همواره در تاریخ ما مرسوم بود که حکمرانان جدید دوست نداشتند در مکان‌های حکمرانان سابق بمانند و ترجیح می‌دادند آن بناها را ویران کنند و بناهای نو برای خود احداث نمایند.



نقشه کریتزیتز و ۶ دروازه آن زمان*

– با تشکر از صادق سمیعی (کتابسرا) و محمدرضا جوادی



نقشه عبدالغفار

– با تشکر از صادق سمیعی (کتابسرا) و محمدرضا جوادی

دکتر کاتوزیان، در آخرین کتاب تاریخی خود که را جع به ایران نگاشته شده است (The Persians, 2009) به این مسئله به صورت مبسوط پرداخته است و این تخریب‌ها یکی از دلایلی است که او جامعه ایرانی را نامتداوم و «کوتاه – مدت» می‌پندارد.

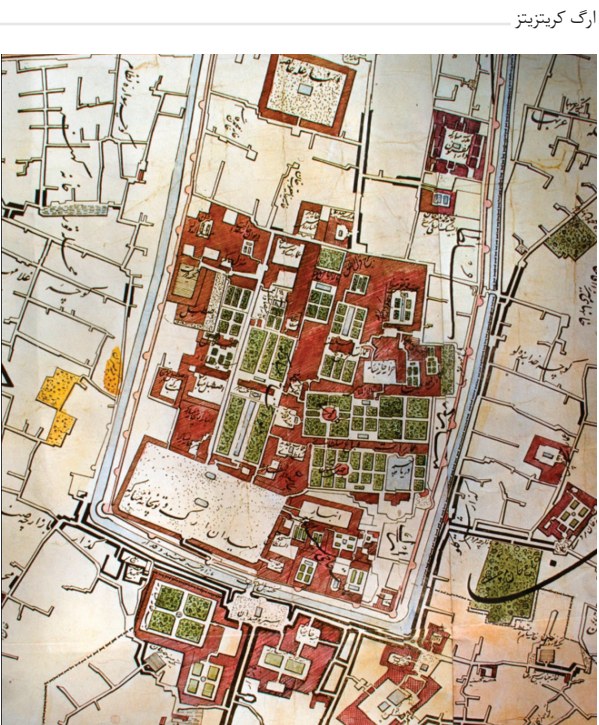
ناصر الدین شاه سفرهای متعددی به اروپا نمود و هر بار که باز می‌گشت، سعی می‌کرد نقاطی از تهران را به شکوهمندی پایتخت‌های اروپائی در بیاورد. در سال ۱۸۵۷ م، (۱۲۸۸ ه.ق) نقشه تهران توسط استاد اتریشی دارالفنون، اوگوستوس کریتزیتز (Kriziz) و دو شاگرد ایرانی‌اش، ذوالفقاریبگ و محمد تقی خان، تهیه شد. این اولین نقشه دقیق تهران است که به صورت «علمی» تهیه شده است. در این زمان جمعیت تهران ۱۲۰،۰۰۰ هزار نفر تخمین زده شده است.

در سال‌های ۱۸۷۰–۱۸۷۱ میلادی ناصرالدین شاه دیوارهای دوره صفوی شهر را تخریب نمود و سطح تهران را گسترش داد (از سه و نیم مایل مربع به هفت مایل مربع) و دارالخلافه ناصری را احداث نمود. در این دوره است که می‌توان گفت تهران واقعاً تبدیل به یک پایتخت شد. ساخت حصار را، ناصرالدین شاه به یک مهندس فرانسوی به نام «بولر» واگذار نمود، که خود نشان می‌دهد تا چه حد ناصرالدین شاه و اکثر درباریان تحت تاثیر سلیقه اروپائی بودند. حصار جدید ناصری ۱۲ دروازه داشت و اکثر دروازه‌های شهر تهران بسوی باغات و آبادی‌هایی که در همان سو وجود داشته اند راه می‌گشودند. به عنوان مثال از دروازه دولت در شمال و دروازه شمیران در شمال – شرقی به سوی باغها و ده شمیران، از دروازه یوسف آباد به سوی باغات و ده ونک، از دروازه دوشان تپه به سوی کاخ و باغ – شکارگاه دوشان تپه و از دروازه

باغ – شاه به سوی باغ سلطنتی غرب. تمامی زمین‌های اطراف تهران که در کوهپایه قرار داشتند، مانند هلال ماه در شمال تهران، اراضی کشاورزی بودند و در بیشتر آن‌ها غلات کاشته می‌شد. تجسم کنید در آن دوران هنگامی که از محورهای جنوبی – شمالی تهران به این کمربند طلائی در شیب های البرز می‌نگریستند، و در پس زمینه این اراضی همان کوه‌هایی که هنوز هم شکوهمندترین تکه زیبایی را به ما هر روز هدیه می‌دهند، سر به فلک می کشیدند، چه منظره‌ای پیش رو داشتیم. آیا می‌توان منظره‌ای زیباتر از این تصور کرد: جاده‌های پر از چنار در دو طرف (مثل پهلوی سابق)، نوک درختان از پشت دیوارهای کاهگلی نسبتاً کوتاه، انارهایی که گاه از دیوارها خود را به کوچه‌ها آویزان می‌کردند، سپس این کمربند طلائی گندم زارها و سپس زنجیره‌های توچال.

به منظور احداث برج و باروی جدید ناصری، لازم بود که نقشه‌ای دقیق از تهران تهیه شود. این نقشه توسط سلیمان‌خان و زیر نظر عبدالغفار نجم‌الملک، معلم ریاضیات دارالفنون ترسیم شد و تهیه آن ۲۰ سال طول کشید. مهوش عالمی به این نکته اشاره می‌کند که تهیه نمودن نقشه‌ای علمی از تهران روپیدادی است که خود در اثر مدرنیت و غرب زدگی به‌وجود آمد. او به این مطلب اشاره می‌کند که پس از امضای قرارداد ترکمن‌چای – انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها، آلمانی‌ها و روس‌ها – که از قبل هم حضور داشتند، به تهران سرازیر می‌شوند و باغ‌های بسیار وسیعی در اختیار سفرای این ممالک گذاشته می‌شود، و موسسات جدید اروپائی در شهر بنا می شوند، مثل بانک‌ها، سفارت‌خانه‌ها، بیمارستان‌ها، تلگراف‌خانه، هتل‌ها، ۱۳۰۰ در تحلیل مفصلی که مهوش عالمی از این نقشه ارائه می‌دهد، به این امر مهم تکیه می‌کند که اکنون «دو شهر» تهران به وجود آمده است: شهر اروپائی مآب (در شمال تهران) و شهر شرقی (در جنوب).

اراده‌ی شبیه‌سازی تهران به پایتخت‌های اروپائی در دوران ناصرالدین شاه به اوج خود رسید. ساخت سفارت خانه‌ها در سال‌های ۱۸۸۰ م صورت گرفت و اکثر آن‌ها در محور شمال ارگ و خیابان علاء قرار داشتند، در خیابانی که نامش در ابتدا «امین السلطان» و سپس «بلوار سفر» بود، و خیابان فردوسی کنونی است. سفارت‌های انگلیس، روسیه، فرانسه، آلمان و ترکیه هنوز هم در جوار همین



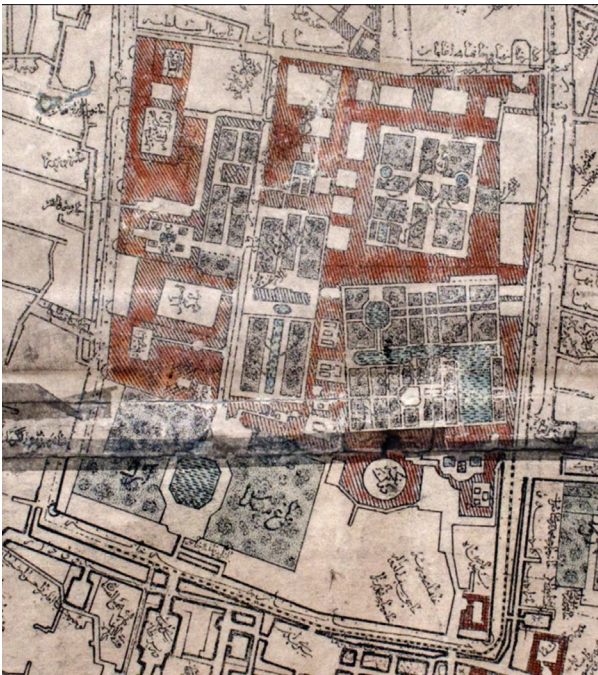
محور قرار دارند. از آنجا که ناصرالدین شاه باغ‌های بسیار وسیعی در شمیرانات به سفرا واگذار نمود، آن‌ها اقامتگاه‌های تابستانی باشکوهی برای خود در این باغات ساختند: انگلیسی‌ها در ده قلهک، روس‌ها در ده زرگنده، فرانسوی‌ها در تجریش، اتریشی‌ها در رستم آباد، و آلمان‌ها و ترک‌ها در الهیه.

جاده‌های بسیار سر راستی بین سفارت خانه‌ها و اقامتگاه‌های سفرا در شمیرانات احداث شدند و این موضوع چهره شهر را کاملاً دگرگون ساخت. در همین زمان قسمت های جنوبی تهران و اطراف بازار رشد بسیاری کرد ولی در همان نظام «زولیبابی» پیچ و خم‌دار کوچه پس کوچه‌های شهرهای شرقی، در صورتیکه جاده هائی که به طرف شمال شهر کشیده می‌شد، نظم شبکه‌ای داشتند.

به همین سبب می‌توان گفت که هرچند تهران هرگز محل حکومت‌های استعماری قرار نگرفت، اما از لحاظ شهرسازی به صورت شبه استعماری شکل گرفت و شبکه‌های منظم و قائم محله‌های شمالی تهران از اواخر همین دوره آغاز به ظهور کردند. هرچند طنز جالبی در این موضوع نهفته است زیرا این شبکه منظم شهرهای اروپائی (و بعدها شهرهای آمریکایی) خود مدیون الگوی باغ ایرانی است. یعنی نظم هندسی شبکه ۹۰ درجه (grid) را از الگوی چهارباغ ایرانی گرفتند. بهترین مثال احداث چنین شبکه‌ای را در دوران پس از کودتای ۲۸ مرداد و سرازیر شدن آمریکایی‌ها می‌توان دید. آمریکایی‌ها محله دروس را بسیار خوش آب و هوا یافتند و اکثر زمین‌های دروس را که تا آن زمان گندم زار و باغات تشکیل می‌داده است را خریداری نمودند. آل‌احمد در خاطراتش می نویسد که سیزده بدر را در «چاله هرز» – همین بلوار شهزاد کنونی دروس – سپری می‌کردند. شبکه‌ای که آمریکایی‌ها در محله دروس پیاده نمودند دقیقاً با تناسبات شبکه شهر نیویورک قابل قیاس است: محورهای شمالی – جنوبی بسیار کوتاه و محورهای شرقی – غربی طولانی. دروس یکی از منظم‌ترین محله‌های مسکونی تهران است.

از باغ‌هائی که در دوران ناصرالدین شاه احداث شدند، مهم‌ترین باغ عشرت آباد، باغ صاحبقرانیه و باغ کاخ گلستان هستند. اما باید به سایر باغ‌های آن دوره نیز اشاره نمود: باغ و قصر دوشان تپه، تبدیل نمودن میدان شاه به باغ، باغ و قصر یاقوت، باغ و قصر فیروزه، باغ شهرستانک و باغ اندرونی در داخل ارگ. مقایسه نقشه ارگ که کریتزیتز

ارگ عبدالغفار



تهیه نموده است (۱۸۵۷) و نقشه‌ی دالمانی (H.d'Allemagne در سال ۱۹۱۱) به خوبی نشان می‌دهد که وسعت باغ‌سازی در داخل ارگ گسترش یافته است. درباره باغ اندرونی گفته می‌شود که داخل این باغ ناصرالدین شاه دستور ساخت یک استخر مرمر دایره شکل بزرگ را داد که سرسره‌ای مرمری به آن ختم می‌شد و داستان‌های بسیاری درباره این استخر مرمری در حرمسرای ناصرالدین شاه نوشته شده است.

برای اینکه بدانیم ناصرالدین شاه تا چه حد متجدد بوده است، کافی است به این موضوع اشاره شود که برق در قصرهای سلطنتی در سال ۱۸۸۲ وارد شد و به صورت پراکنده در شهر در سال ۱۸۸۵، یعنی فقط دو سال پس از نیویورک.^{۱۳}

مظاهر تمدن و فرهنگ غربی در همه سطوح زندگی تأثیر گذاشت، از سوئی به خاطر میل خود رجال که به تازگی پایشان به فرنگ باز شده بود و از سوئی دیگر به دلیل حضور خارجیان که با احداث سفارت خانه‌ها و اقامتگاه‌های خود، معماری و باغ‌سازی جدیدی را به شهر تهران آورده بودند. باغ عشرت آباد بهترین نمونه از این باغ‌ها به سبک اروپائی است، زیرا نه هندسه و نه تقارن باغ ایرانی را دارد. باغ دوشان تپه نیز به همین صورت. از دیگر عناصر باغ های اروپائی و بخصوص باغ انگلیسی که در باغ‌های تهران بسیار رایج شد، پوشش سطوح وسیعی با چمن بود، و هم چنین باغچه‌های وسیع گلکاری شده درصورتی که در باغ ایرانی کُرت‌ها همیشه خاکی باقی می‌مانده‌اند و گل کاری خطی فقط در محور اصلی انجام می‌شده است.

به صورت خلاصه می‌توان ادعا نمود که الگوی باغ ایرانی در دوران قاجار و در تهران دچار دگردیسی عظیمی شد و دو عامل اصلی این تحول، حضور سلیقه اروپائی در پایتخت و قرار گرفتن این باغ‌ها در دامنه کوه با مناظر زیبای طبیعت پیرامون است.

اولین عامل تحول الگوی باغ ایرانی که به شکل اروپائی آن را سوق می‌دهد خود نیز دو سویه است: از یک طرف سلیقه اروپائی رجال مملکت و از سوی دیگر حضور شبه – مستعمره‌ای خارجیان در تهران. باغ‌های سفارت خانه‌ها و اقامتگاه‌های سفرا کاملاً به سبک اروپائی احداث می‌شدند و به احتمال قوی، طرح باغ‌هایشان را به معماران هم وطن خود می‌سپردن، مثل باغ انگلیس که توسط جیمز ویلیام وایلد طراحی شد.

در این بخش باید به تغییر ماهیتی «آب» اشاره نمود: در باغ ایرانی آب همیشه روان است و در حال حرکت و آب نماها عمق بسیار کمی دارند؛ در صورتیکه در باغهای خارجی‌ها در تهران، استخر جهت شنا استفاده می‌شود یا دریاچه مصنوعی تعبیه شده است که آب آن راکد می‌ماند. شنا کردن در استخر پرعمق کاملاً متعلق به فرهنگ فرنگی است، هم چنین آب راکد که برای ما جهت وضو گرفتن «نجس» فرض



منظره‌ای از باغ و قصر عشرت آباد

می‌شود.

دومین عامل تحول الگوی باغ ایرانی به این موضوع برمی‌گردد که تهران در کوهپایه البرز قرار گرفته است و منظره‌های بسیار زیبایی در جنوب به طرف دره‌های تهران و در شمال به زنجیره‌های توجال دارد، در صورتیکه اکثر باغ‌های رسمی در فلات ایران به صورت واحه‌هائی در محیط های خشن و حتی در مناطق کویری احداث می‌شدند و بنابراین درونگرا و محصور با دیوارهای بلند بودند. در تهران باغبان سعی داشت باغ را به محیط پیرامون متصل نماید و در نتیجه دیوارهای باغ را بسیار کوتاه تعبیه می‌نمود. هدف، وصل نمودن منظره‌های باغ به مناظر بیرون از باغ بود. این یکی از مهم‌ترین اهداف باغ ژاپنی است که سرچشمه باغ‌های سبک اروپائی و بخصوص انگلیسی بود، که البته در باغ‌های منطقه ساحل خزر نیز وجود داشته است.

تحولات الگوی باغ ایرانی رسمی در تهران را می‌توان به صورت زیر خلاصه نمود:

– الگوی انتزاعی باغ ایرانی رسمی «واه‌های در طبیعت» است و بنابراین کاملاً درونگرا، در صورتی که باغ‌های تهران کم‌کم به سوی الگوی برونگرا تحول می‌یابند و الگوی انتزاعی آن به «گوشه‌ای از طبیعت پیرامون» تبدیل می‌شود.

– معماری باغ ایرانی رسمی، هندسه‌ای منظم و قائم دارد با محوری اصلی بین سردر ورودی و کوشک و غالباً کاملاً متقارن است و حصار بلندی دور باغ را احاطه می‌نماید. حال آنکه باغ‌های تهران کم‌کم با هندسه طبیعی با راه‌های پیچ در پیچ و محورهای متفاوت و بدون تقارن احداث می‌شوند. حصارها بسیار کوتاه هستند و بین باغات، کوچه باغ‌های باصفا به وجود می‌آیند.

– ورود آب به باغ ایرانی رسمی از طریق قنات یا مسیلی میسر است و سپس آب با شبب ثقیلی داخل جویبارها حرکت می‌کند و همه کُرت‌ها را آبیاری می‌نماید و آخر دست از باغ خارج می‌شود. آب نماها بسیار کم عمق هستند. در باغ‌های تهران نیز آبیاری باغ توسط قنات یا مسیل تضمین می‌شود، اما دیگر به شبکه جویبارها متکی نیست، زیرا گاه در استخری بزرگ ذخیره می‌شود و سپس به صورت دستی کُرت‌های چمن و گلکاری آبیاری می‌شوند. استخرهای عمیق جهت شنا و دریاچه‌های مصنوعی با آب راکد احداث می‌شوند.

– نظم کاشت در باغ ایرانی رسمی شامل درختان عظیم سایه‌دار و اندکی گلکاری در طول محورهای اصلی همراه با درختان میوه‌دار در کُرت‌ها بوده است، اما در باغ‌های تهران سطوح وسیع چمن و گل‌های تزئینی برای اولین بار در ایران کاشته می‌شود. شمشاد پیرایش شده جهت تفکیک کُرت‌ها کاشته می‌شود، در صورتی که در ایران، آن هم فقط در مناطق شمالی، شمشاد به صورت طبیعی تا ارتفاع ۳ الی



منظره‌ای از باغ و قصر دوشان تپه

۴ متر رشد می‌نموده است و هرگز پیرایش نمی‌شده است و از آن به عنوان مرز املاک استفاده می‌شده است. اصطلاح قد بلند مثل «شاخ شمشاد» مربوط به آن نوع شمشاد است.

– عناصر تزئینی در باغ ایرانی رسمی سینه کبکی‌های آبشارهای جویبارها، کاشی کاری سردر ورودی و جزئیات سنگی آب نماها و سنگ فرش محورها بوده‌اند. در باغ‌های تهران عناصر تزئینی جدیدی اضافه می‌شوند: نرده‌های فلزی (فرفرژه)، ستون‌های سنگی، پل، مجسمه، آلاچیق. – از لحاظ بصری مهم‌ترین چشم انداز در باغ ایرانی رسمی، منظر محور اصلی بین عمارت کوشک و سردر ورودی است، در صورتی که در باغ‌های تهران رابطه با مناظر دوردست طبیعت پیرامون زیباترین چشم اندازها را به وجود می‌آورد.

شهریار عدل می‌نویسد که «تهران، بیش از اینکه پایتخت باشد، شهر بزرگی است» و اضافه می‌کند که بخاطر وزن جمعیتی، پویائی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و بین‌المللی است که تهران پایتخت ایران است». او می‌خواهد بگوید که تهران شهر زیبایی مثل پایتخت‌های اروپائی نیست و فقط «گنده» است؛ اما وقتی به نقشه‌ی تهران که در زمان ناصرالدین شاه کشیده شده، می‌نگریم، چیزی جز زیبایی نمی‌بینم: انگار که کل شهر یک باغ بزرگ بوده است – باغ‌های خانه‌های درباری آنچنان انبوه و پیوسته هستند که من را به این فکر می‌اندازند که شاید آب و هوای کوهپایه حاصلخیز سابق شهرمان، به اروپا شباهت داشته است و باغبان درختان را پیرایش می‌نمود تا جائی برای احداث بناها باز کند. می‌توان گفت که بسیاری از فرصت‌های طلائی را از دست داده‌ایم و تخریب باغ‌های تهران آن چنان با سرعت اتفاق افتاده است که تقریباً دیگر هرگز این امکان را نخواهیم داشت که تهران را یک «فرش سبز عظیم» یا «باغ – سرا» بنامیم. اما هنوز فرصتی برایمان باقی مانده است، زیرا جغرافیای تهران بسیار قدرتمند است و دارای عناصری طبیعی می‌باشد که حتی بدترین شهرسازان هنوز نتوانسته‌اند آن را کاملاً مختل نمایند. به عبارت دیگر کوهپایه بودن تهران و مسیل‌های آبی که از آب شدن برف‌ها در طول میلیون‌ها سال شکل گرفته اند و دره‌هائی که این مسیل‌ها در میان آن‌ها قرار گرفته‌اند هنوز موجود هستند. مرحوم دکتر میرفندرسکی اصطلاحی بسیار شاعرانه برای این دره‌ها و مسیل‌ها برگزیده بودند – دره باغ – و تا آخرین روزهای عمر مشغول زیباسازی و مرمت یکی از این دره – باغ‌ها بودند (مسیل مقصود بیک در ادامه مسیل گلاب‌دره).

بزرگ‌ترین لطفی که می‌توان به تهران معاصر نمود، حفظ، مرمت و زیباسازی این هفت دره – باغ است. هرچند که باغ‌های مجاور این هفت مسیل بسیار آسیب دیده‌اند، اما هنوز فرصتی طلائی وجود دارد برای تعریف نمودن حریمی غیر قابل تجاوز به این هفت مسیل و کم‌کم با کاشت مجدد می‌توانیم به این امید دل بندیم که این هفت دره باغ روزی برای نسل‌های آینده واقعیتی ملموس گردد.^{۱۵}

روزی روزگاری همه خیابان‌های جنوبی – شمالی تهران در انتهای خود منظره‌ای زیبا از کوه و آسمان داشتند، اما در حال حاضر زشت‌ترین بناهای بلند چشم انداز کوه را پنهان نموده‌اند. بنابراین تنها آرزوی من این است که اگر چند محور شمالی – جنوبی‌ای هنوز وجود دارند که هیچ بنائی انتهای آن‌ها و چشم‌انداز کوه را کور نکرده‌اند، شهرداری این محورهای طبیعی «مقدس» را حفاظت نماید و آن‌ها را چون آثار ملی ثبت نماید.

علی رغم همه دخالت‌هایی که منجر به تخریب زیبایی‌های شهرمان شده‌اند، تهران هنوز هم شهر بسیار زیبایی است و اگر جغرافیای طبیعی آن را مختل نسازیم و حتی الامکان اصلاً دیگر در کوهپایه نسازیم و از حریم ۱۸۰۰ متر ارتفاع بالاتر نسازیم، می‌توانیم اندکی از زیبایی گذشته‌اش را برای نسل‌های آینده حفظ نمائیم.



نقشه هفت‌دره – باغ تهران^{۱۶}



۱. تهران، پایتخت دویست ساله، شهریار عدل، برنار اورکاد. شهریار عدل از حسین کریمان نقل قول می‌نماید: «تهران دارای باغ‌های متدخل است که مشبکوار بناها را در میان دارد»، ص ۲۷

۲. پیترو دلاواله می‌نویسد که شاه عباس آنقدر زیادی انار خورد که مریض شد و به این دلیل هرگز از تهران خوش نیامد

۳. ترجمه داریوش آشوری برای The inhabited Garden معادل Le jardin habite که شهریار عدل تهران را می‌نامد.

۴. تهران، پایتخت دویست ساله، ص ۱۵

۵. تهران، پایتخت دویست ساله، ص ۴۰

۶. مقاله مقتدر در کتاب –تهران، پایتخت دویست ساله –، ص ۴۱

۷. تهران، پایتخت دویست ساله، ص ۸

۸. باغ‌های ایرانی و کوشک‌ها، دونالد ویلبر، ص ۱۶۹

۹. باغ ایرانی، مقتدر، یآوری، خوانساری. ص ۱۱۸

۱۰. باغ ایرانی، ص ۱۱۸

۱۱. اصل این نقشه در کاخ – موزه گلستان نگهداری می‌شود.

۱۲. مقاله مهوش عالمی که در همین شماره چاپ می‌شود، ‘نقشه ۱۸۹۱ تهران: دو شهر، دو مرکز دو فرهنگ’

۱۳. تاریخ معماری صنعتی ایران، جواهریان

Workplaces: The transformation of places of production ص ۸۳

۱۴. با تشکر از اسکندر مختاری

۱۵. از این روست که باید جلوی پروژه‌هایی چون ‘هفت دروازه به البرز’ را گرفت. از همه معماران و شهرسازان ایران و خارج استدعا دارم: لطفاً به کوه‌های تهران دست نزنید!